



## اگر کرونا آن‌ها را نکشد، فقر و بی‌پناهی می‌کشد

شغل و درآمد که نداشته باشی، خیلی زود کمک‌های مردم ته می‌کشد و هیولای فقر از راه می‌رسد. دوباره فرزندت گرسنه می‌ماند، هزینه دارو و درمان نداری، اول مهر بجهت لوازم‌التحریر نمی‌خرد، قبض آب و برق را نمی‌پردازی، یخچالت می‌سوزد و نمی‌توانی بخری

### اگر کرونا آن‌ها را نکشد، فقر و بی‌پناهی می‌کشد

محمد فاضلی &ndash; عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی

#### داستانی تلخ

صبح یک روز آبان 1397 نامه ای از خانمی به دستم رسید که داستان سوزناک فقر بود. بررسی کردم از چند مسیر، محتوای نامه درست بود. یک ونیم سال می‌گذرد و تقریباً هر روز درگیر زندگی نویسنده نامه شدم، نویسنده ای که هیچ‌گاه ندیدمش و بین ما 1276 کیلومتر فاصله است. یادداشت «[بیست هزار فرسنگ زیر خط فقر](#)» را درباره او، همسر معلول و کودک پنج ساله اش نوشته بودم.

چند میلیون تومان کمک خوانندگان آن مطلب باعث شد قرض هایش را بدهد، خانه ای اجاره کند و زندگی اش در ظاهر سامانی بگیرد. شغل نداشتن اما درد بزرگی است. شغل و درآمد که نداشته باشی، خیلی زود کمک‌های مردم ته می‌کشد و هیولای فقر از راه می‌رسد. دوباره فرزندت گرسنه می‌ماند، هزینه دارو و درمان نداری، اول مهر بچه ات لوازم‌التحریر نمی‌خرد، قبض آب و برق را نمی‌پردازی، یخچالت می‌سوزد و نمی‌توانی بخری، و دندان‌هایت عفونت می‌کنند و چند میلیون هزینه درمان شان را نداری.

خانم مهربانی از راه می‌رسد، خودش و دوستانش پول روی هم می‌گذارند و هزینه درمان دندان‌هایت را می‌دهند، اما توان آن‌ها هم زیاد نیست. باز شغل نداری و هزینه‌هایت بالا می‌روند. مجبور می‌شوی پول نزول کنی، سفته بدهی و برای مخارج روزانه ات که گرسنه‌نمانی، به این و آن رو بزنی. تازه آمده اند انشعاب آب را هم قطع کنند، خدا از غیب به دادت می‌رسد و الا آب هم نخواهی داشت.

هزینه نگهداری و درمان همسر معلول ات زیاد است. دوباره پول قرض می‌کنی، سفته می‌دهی و زیر بار سود نزول می‌روی. دوباره چند خیر به دادت می‌رسند و از این که تن به تقاضاهای غیراخلاقی طلبکار نزول خوار بدهی، نجات پیدا می‌کنی. زندگی ولی خرج دارد.

خیری پیدا می‌شود و به خیال این که کمک می‌کند تا کسب و کار راه بیندازی، پول پیش کرایه یک مغازه را می‌دهد. تو هم دنبال کسی می‌گردی که وسایل راه انداختن یک مغازه خیاطی را برایت تأمین کند. بانک‌هایی که میلیارد میلیارد پول‌های بی‌بازگشت داده اند، دست آخر از تأمین سی میلیون تومان هزینه تجهیز مغازه ات خودداری می‌کنند. تو می‌مانی، یک مغازه و کرایه اش، و حسرت این که می‌توانستی شغلی داشته باشی و روی پای خودت بایستی، اما نمی‌شود. دوباره گرسنگی شعله می‌کشد، فرزندت گرسنه است و گریه می‌کند. زندگی نیست، جهنم است.

طلبکارها بیشتر شده اند و پاشنه در خانه را هم درآورده اند، مرد طلبکار تهدید می‌کند که دفعه بعد کتک می‌زند، کرایه خانه هم عقب افتاده و صاحبخانه می‌خواهد تخلیه کنی، کرایه خانه‌ها هم دو برابر شده است.

فقیر که باشی، تدبیر زندگی ات را گم می‌کنی، عقلت به کارت نمی‌رسد و زیر بار استرس، تحقیر، گرسنگی فرزند و معلولیت همسر و ... له می‌شوی. یک دفعه به خودت می‌آیی و می‌بینی همه کار برای نجات یافتن انجام داده ای، فقط بی‌ناموسی نکرده ای و معلوم نیست چند وقت دیگر دوام می‌آوری تا تن بدهی به تن فروشی. برخی مردها هم بی‌شرف شده اند، فکر می‌کنند چه طعمه ای بهتر از یک زن جوان فقیر با یک همسر معلول و هزار مشکل؟!

مقاومت می‌کنی اما کرونا هم از راه می‌رسد، و برای تو که جز لباس تنت هیچ چیز نداری، فقط یک راه باقی می‌ماند: دوباره پیامک بزنی «عمو اگر کرونا ما را نکشد، فقر حتماً می‌کشد. دیگر نان هم برای خوردن نداریم. بچه ام هم از ترس طلبکارانی که هر روز دعوا می‌کنند، می‌میرد. شارژ تلفنم که تمام شود، پیام هم نمی‌توانم بدهم، به دادم برسید.»

#### یک درخواست

می‌دانم بدبختانه، صدها هزار نفر در این کشور، همین وضعیت را دارند، اما این یک مورد یک ونیم سال، دردناک جلوی چشمم بوده است. من هر چه در توان داشتم به کار گرفتم که مشکل این خانواده را حل کنم، شغلی برای این خانم دست و پا، یا به راه اندازی کسب و کارش کمک کنم، اما نشد.

آیا صاحب کسب و کاری هست که کمک کند تا او شغل داشته باشد؟ آیا فیلم سازی هست که چرخه فلاکت بار فقر و بی‌پناهی این خانواده را هم چون نمونه ای از صدها هزار خانواده ایرانی، فیلم کند و از این مسیر این خانواده را هم نجات دهد؟ آیا مردانی هستند که زنی را از افتادن به ورطه بی‌اخلاقی برهاند؟ آیا ... ؟ من دیگر نمی‌توانم.

کرونا اگر می کشد، فقر زجرکش می کشد.